

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات و  
نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه  
متعلق به دانشگاه رازی است.



دانشگاه رازی

دانشکده علوم اجتماعی

گروه علوم سیاسی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی

**عنوان پایان نامه**

**روانشناسی استبداد رضاخانی و تأثیر آن در حاشیه راندن نوگرایان**

استاد راهنما:

دکتر طهماسب علیپوریانی

استادان مشاور:

دکتر سید شمس الدین صادقی

دکتر جهانگیر کرمی

نگارش:

محسن طالبی

اسفند ماه ۱۳۹۱

## تقدیر و تشکر

سپاس بی کران خداوند یکتا را که به ما رمز چگونگی زیستن، پرستیدن و فرصت رهایی از جهل و تحصیل علم را آموخت. برخورد فرض می دانم بعد از شکر گذاری از درگاه خداوند از کلیه کسانی که در تمام مراحل تحصیل به هر نحوی مرا حمایت نموده اند تقدیر و تشکر نمایم.

اساتید: دکتر طهماسب علیپوریان (استاد راهنما)، دکتر سید شمس الدین صادقی (استاد مشاور)، دکتر جهانگیر کرمی (استاد مشاور)، دکتر محمد ابوالفتحی، دکتر قدرت احمدیان را که در این پروژه و دوران تحصیل با تلاشی بی دریغ و قابل ستایش درخشیدند، تشکر می کنم.

فرماندهان و همکاران: فرمانده محبوب و دوست داشتنی ام سرتیپ دوم ستاد تقی دریکوند، سرگرد حفاظت و اطلاعات علی میرزایی، ستوانیکم حسن قدیمی، ستوانیکم علی غلامزاده، ستوانیکم مجید سلمانی که صادقانه مرا مورد لطف قرار دادند و موانع تحصیل مرا تسهیل نمودند.

از دوستان ارجمندم: محسن باولی و نعمت ناصری دانشجویان رشته علوم سیاسی، رضا یوسفوند، اصغر کریمی، امیرحسوند، وحید عباسی، مصیب نور محمدی، دانشجویان فنی مهندسی و دانشجوی رشته پزشکی محمد کریمی صمیمانه سپاسگزارم.

کتابخانه دانشکده علوم اجتماعی: از کلیه کارکنان کتابخانه دانشکده علوم اجتماعی به ویژه سرکار خانم شهناز کرمی که در همه حال صبورانه نهایت همکاری و همراهی را داشتند قدردانی می کنم.

-قدردانی آخر را تقدیم پدر و مادر عزیزم و کلیه اعضای خانواده ام می نمایم که در تمام مراحل زندگی بی دریغانه مرا هدایت و حمایت نموده اند.

این پایان نامه تقدیم می شود به:

-انسان هایی که تاروپود هستی شان وصل به خداست و لذت زیستن را در جلب رضای خدا می دانند.  
-کلیه پدران و مادرانی که در راه سعادت و سلامتی فرزندانشان از همه چیز گذشت می کنند به ویژه پدر  
و مادر مهربانم که با سلحشوری تمام سنگ صبور مشکلات من بودند .  
-هدیه های الهی یعنی بچه های پاک و معصومی که با اعمال و رفتار کودکانه شان صداقت، راستی و نشاط را  
به زندگی ارزانی می دهند بالاخص خواهرزاده های عزیزم حسین کوچولو و دوقلوها احمدرضا - محمدرضا

## چکیده

تحقیق حاضر که وقف بررسی نسبت ابعاد روانشناختی استبداد رضاشاهی و به حاشیه راندن اطرافیان و نوگرایان می باشد فرض را بر این نهاده است که مجموعه اقدامات سرکوب گرایانه رضاشاه اساساً تحت تاثیر مسائل و مشکلات روحی و روانی بوده که از بدو تولد تا رسیدن به قدرت به آن مبتلا و دست به گریبان بوده است لذا با بهره مندی از چارچوب روشی اسپر بر که ریشه ترس و ناامنی را در کاستی های گذشته دوران کودکی و مراحل بعدی زندگی می داند من حیث المجموع تاکید شده است فرایند شکل گیری شخصیت در دوران کودکی تحت تاثیر مولفه هایی چون خانواده، محیط و اجتماع صورت می پذیرد چنانچه والدین، نظام تربیتی، جامعه در مهیا نمودن بسترها و شرایط زیستی اقداماتی روشمند و سازنده در جهت رشد شخصیت از خود به نمایش نگذارند افراد در برخورد با موانع و کمبودها دچار حقارت شده و در آینده از راه های غیر سالم و ناصواب با توسل به خشونت، استبداد و بزهکاری های اجتماعی در جهت جبران این کمبودها و حقارت ها اقدام می نمایند. در این راستا دوران کودکی و مراحل بعد زندگی رضاشاه که با حقارت ها و مشقت هایی همراه شد تبعات آن در دوران قدرت یابی و پادشاهی با تناقض شخصیتی، ترس و هراس، استبداد و خشونت بر کلیه ساختارهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی سایه انداخت تا جایی که این رفتارها استبدادی رضاشاه گریبان گیر نوگرایانی شد که از عوامل اصلی تغییر سلطنت قاجارها و به قدرت رساندن وی بودند و برون داد رفتار سیاسی او چیزی جز به حاشیه راندن و کشتار بی رحمانه آنان را در پی نداشت لذا در دستیابی هدف پژوهش که بررسی نسبت استبداد و مباحث روانشناختی رفتار سیاسی است جدای از کلیات، پنج فصل این تحقیق به «تناقض شخصیتی و فردی خودکامگان»، «ترس و هراس در شخصیت مستبد»، «بستر و زمینه روانی خودکامگی»، «پیشروی به سوی قدرت» و «حاکمیت قهر و خشونت» اختصاص یافته است.

کلید واژه ها: روانشناسی استبداد، نوگرایان (متجددین)

## فهرست مطالب

صفحه

عنوان

### فصل اول: طرح تحقیق

۲	۱-۱- بیان مسئله
۳	۲-۱- اهمیت موضوع
۴	۳-۱- اهداف تحقیق
۴	۴-۱- پیشینه و ادبیات موضوع
۷	۵-۱- سوال پژوهش
۷	۶-۱- فرضیه پژوهش
۷	۷-۱- روش تحقیق
۸	۸-۱- تعریف متغیرها

### فصل دوم: چارچوب تحقیق

۱۵	۱-۲- نظریه آدلر-اسپربر
۱۵	۱-۱-۲- معناداری رفتار
۱۶	۲-۱-۲- برتری طلبی
۱۶	۳-۱-۲- رغبت و تعلق اجتماعی
۱۷	۴-۱-۲- سبک زندگی
۱۷	۵-۱-۲- غایت گری خیالی
۱۸	۶-۱-۲- احساس کهنتری

### فصل سوم: تناقض شخصیتی و فردی خودکامگان

۲۴	۱-۳- زندگی نامه رضاشاه
۲۷	۲-۳- سبک زندگی
۲۸	۱-۲-۳- سختی ها و ناملازمات رضاشاه
۲۹	۲-۲-۳- مهارت رضاشصت تیر و جبران نارسایی ها
۳۰	۳-۲-۳- سوادآموزی
۳۱	۳-۳- خصوصیات و منش فردی رضاشاه
۳۲	۱-۳-۳- اسکوت و دورویی
۳۳	۲-۳-۳- حرص مال اندوزی و تنگ نظری
۳۷	۴-۳- روانشناختی روزمره ۲۰ساله رضاشاهی
۴۰	۵-۳- احساس حقارت
۴۰	۱-۵-۳- مهمانی رضاشاه
۴۱	۲-۵-۳- ازدواج با تاج الملوک

۴۲	..... ۳-۵-۳ عزل سرلشکر طهماسبی
۴۲	..... ۳-۵-۴ زندگی رضاشاه در تبعید موریس
۴۳	..... ۳-۵-۵ تاجگذاری و عظمت طلبی
۴۵	..... ۳-۶-۶ دوگانگی سیاسی - مذهبی
۴۶	..... ۳-۶-۱ آزادی زندانیان کودتایی
۴۷	..... ۳-۶-۲ جمهوریت
۴۸	..... ۳-۶-۳ درخواست فرماندهی کل قوا
۴۹	..... ۳-۶-۴ تظاهر مذهبی
۵۱	..... ۳-۶-۵ تضاد مذهبی
۵۲	..... ۳-۶-۶ واکنش به کشف حجاب
۵۳	..... ۳-۷-۱ واکنش نوگرایان به تناقض رفتاری سردار سپه
۵۵	..... نتیجه گیری

#### فصل چهارم: ترس و هراس در شخصیت مستبد

۵۹	..... ۴-۱-۱ تناسب هراس با اقتدارگرایی
۶۲	..... ۴-۱-۱-۱ سفر به شمال غرب
۶۳	..... ۴-۱-۲ شوخی در محافل جدی
۶۴	..... ۴-۱-۳ هراس از خزعل
۶۵	..... ۴-۱-۳ هراس از خزعل
۶۶	..... ۴-۱-۴ کودتای سرهنگ پولادین
۶۹	..... ۴-۱-۵ تربیت محمدرضاشاه
۶۹	..... ۴-۱-۶ حمله متفقین
۷۲	..... ۴-۲ تحقیر اطرافیان
۷۴	..... ۴-۳ نیازمند حرمت و شناسایی
۷۶	..... ۴-۴ وحشت از انتقاد و روشنگری
۸۱	..... نتیجه گیری

#### فصل پنجم: بستر و زمینه روانی خودکامگی

۸۵	..... ۵-۱-۱ مشروطه و رضاخان
۸۵	..... ۵-۱-۱-۱ نهضت مشروطه
۸۸	..... ۵-۲-۱ کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹
۹۱	..... ۵-۳ استبداد و استقلال
۹۷	..... ۵-۴-۱ لومین ها

۹۸	۱-۴-۵-قتل نایب کنسول آمریکا و حمایت لومپن ها.....
۹۹	۲-۴-۵-خراجدکاران.....
۱۰۰	۳-۴-۵-مدرس و استیضاح سردار سپه.....
۱۰۱	۴-۴-۵-لومپن ها و جمهوری خواهی.....
۱۰۱	۵-۴-۵-بلوای نان.....
۱۰۳	۵-۵-استقبال روشنفکران از استبداد.....
۱۰۵	نتیجه گیری.....

### فصل ششم: پیشروی به سوی قدرت

۱۰۸	۱-۶- تثبیت قدرت با زور.....
۱۰۹	۲-۶-سید ضیاء و پل پیروزی رضاخان.....
۱۱۰	۳-۶-جنبش های گریز از مرکز.....
۱۱۰	۱-۳-۶-جنبش جنگل.....
۱۱۱	۲-۳-۶-قیام کلنل پسیان.....
۱۱۱	۳-۳-۶-شورش شیخ خزعل.....
۱۱۲	۴-۳-۶-شورش اسماعیل آقا سمیتقو.....
۱۱۳	۴-۶-مقدمه چینی برای ریاست الوزرای.....
۱۱۶	۵-۶-توطئه علیه سردار سپه.....
۱۱۸	۶-۶-سیاست انزواگرایانه.....
۱۲۶	۷-۶-استعفا حربه تهدید آمیز.....
۱۲۹	۸-۶-نوگرایان و رضاشاه.....
۱۳۲	نتیجه گیری.....

### فصل هفتم: حاکمیت قهر و خشونت

۱۳۸	۱-۷-استبداد و ترقی.....
۱۳۸	۱-۱-۷-ارتش و سیاست مشت آهنین.....
۱۴۰	۲-۱-۷-راه آهن جبران حقارت ها.....
۱۴۲	۳-۱-۷-حقارت فرهنگی و متحد الشكل کردن لباس.....
۱۴۳	۴-۱-۷-تمرکز دولت و نظام آموزشی نوین.....
۱۴۳	۵-۱-۷-صنعت.....
۱۴۴	۶-۱-۷-کشف حجاب و غایت گرایی.....
۱۴۷	۷-۱-۷-الغاء القاب و عناوین.....

۱۴۸.....	۲-۷-سوء ظن.....
۱۵۰.....	۱-۲-۷-تیمور تاش و سوء ظن جانشینی.....
۱۵۳.....	۲-۲-۷-شاهزاده قاجار و سوء ظن ارتشاء.....
۱۵۷.....	۳-۲-۷-سردار اسعد و سوءظن شورش.....
۱۶۰.....	۴-۲-۷-خودکشی داور و ترس از سوءظن.....
۱۶۲.....	۵-۲-۷-رئیس گارد شاهی احمدشاه و سوء ظن کودتا.....
۱۶۶.....	۳-۷-کم خطران سلطنت.....
۱۶۶.....	۱-۳-۷-فروغی.....
۱۶۸.....	۲-۳-۷-سید حسن تقی زاده.....
۱۶۹.....	۳-۳-۷-سایرین.....
۱۷۰.....	۴-۶-سوءظن رضاشاه نسبت به نهادهای مشروطه.....
۱۷۲.....	۵-۷-بلاگردان بحران حاکمیت.....
۱۷۳.....	۶-۷-تعطیل شدن روابط انسانی.....
۱۷۷.....	۷-۷-انتقال سیاست داخله به سیاست خارجه.....
۱۷۹.....	نتیجه گیری.....

## فصل هشتم: نتیجه گیری

۱۸۱.....	نتیجه گیری.....
۱۸۸.....	منابع.....

# فصل اول

## طرح تحقيق

## ۱-۱ بیان مسأله

امروزه در بررسی و تحلیل رفتار سیاسی، در جنب برجسته شدن مطالعات بین رشته‌ای از جمله جامعه و سیاست، دین و سیاست، تاریخ و سیاست، جغرافیا و سیاست و ... تحلیل‌های روانشناختی رفتار سیاسی نیز در سطوح مختلف جامعه اعم از حاکمان یا سایر طبقات مردمی مورد توجه محققین روانشناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی سیاسی قرار گرفته است مخصوصاً در بررسی رفتار سیاسی رهبران شاخصی همچون هیتلر، استالین، ناپلئون، آقا محمد خان و ... تلاش شده است که رفتار آنان در چارچوب ابعاد روانشناختی هر یک توضیح داده شود. آنچه در این فضای مطالعاتی برای یک محقق قابل توجه است برقراری یک نسبت سنجی میان ابعاد روحی - روانی فرد از یک طرف و رفتار فردی - اجتماعی از طرف دیگر است که می‌تواند ما را به عمق و کنه چرایی حوادث تاریخی یک دوره راهنمایی کند. در این راستا تاریخ طولانی ایران می‌تواند کدها و موارد متعددی در دسترس محققان قرار دهد که به نظر می‌رسد مقطع تاریخ معاصر ایران حسب تقارن زمانی و همچنین پویایی مولفه‌هایش گزینه‌ی مناسب‌تری تلقی شود که در این تحقیق با تمرکز بر دوره معاصر و مخصوصاً رفتار سیاسی رضاخان میرپنج که بعداً به رضاشاه پهلوی معروفتر گردید با ملاحظه همین چارچوب مطالعات بین رشته‌ای می‌تواند ما را به پرسش‌های جدی سیراب شده از ابعاد روانشناختی رهنمود کند بدین مفهوم آنچه که از رضاشاه در متون تاریخی آمده است در سوادکوه مازندران و در درون خانواده‌ای گمنام متولد شده که از همان کودکی پدر و مادرش را به نوعی از دست می‌دهد و به طور طبیعی به دور از کانون گرم خانواده و نیز درگیر با بسیاری از کمبودهای عاطفی، مالی و تربیتی بزرگ شده و در ادامه زندگی‌اش وارد نیروی قزاق می‌شود که توأم با ابراز شایستگی‌ها و توانمندی‌ها فردی بوده است که در ادامه پیشه نظامی‌گریش او را در سلسله جنبان کودتای ۱۲۹۹ و فتح کرسی سلطنت مشاهده می‌نماییم.

رفتار سیاسی رضاشاه در این دوره از زندگی‌اش آنچنان خاص بوده که از آن به الگوی رضاخان یاد می‌شود که این الگوی خاص علیرغم تلاش‌های گسترده‌اش در به سامان کردن اوضاع پریشان آن روز ایران اساساً با چاشنی خودکامگی و استبداد رضاخانی همراه بوده است. لذا تا جایی که حتی نزدیک‌ترین افراد به شخص رضاشاه که تحت نام متجددین برجسته‌اند نیز از دایره اقدامات سرکوب‌گرایانه او در امان نمانده‌اند اگرچه بسیاری از محققین شرایط پریشان آن روز را زمینه‌ی اصلی برخورد مستبدانه هر حاکمی از جمله رضاشاه می‌دانند. نوگرایان که متأثر از باورهای مغرب‌زمینی بودند بر دولت متمرکزگرا و توسعه اقتصادی تحت اقداماتی نظیر عدم گزایی، ناسیونالیسم، ارتش مدرن، نظام آموزشی نوین و... اعتقاد داشتند. آنها به

منظور تاسیس دولت مقتدر و توسعه اقتصادی به حمایت و پشتیبانی از سردار سپه روی آوردند تا جایی که در اواخر مجلس چهارم و ابتدای مجلس پنجم از هر گونه تلاشی جهت تغییر سلطنت قاجارها دریغ نمودند لذا در سایه همین اقدامات و پشتیبانی ها بود که مواضع رضاخان در پیشروی به سوی قدرت و تصرف سلطنت تحکیم و مهیا شد. این افراد همچون تیمور تاش، داور، فیروز، تدین، فروغی، دبیر اعظم هر کدام در خلع قاجاریه و مبدل نمودن رضاخان به رضاشاه نقشی اساسی ایفا نمودند. آنها به خیال آنکه با تاسیس نظام پهلوی، فضای مانور و فرصت نوگرایی را در سایه چنین دولتی خواهند یافت اما غافل از آن به تاسیس نظامی اقدام نموده بودند که مسبب مرگشان شد. بنابراین در این پژوهش پرسش واقعی این تحقیق معطوف به برقراری یک نسبت مستقیم میان کیش شخصیتی و روانشناختی مستبدانه‌ی رضاشاه و اقدامات او می باشد. که اساساً در چارچوب سوال اصلی زیر پی گرفته خواهد شد. چه نسبتی میان روانشناسی استبداد و اقدامات رضاشاه در به حاشیه راندن نوگرایان وجود دارد؟ با این اوصاف چنین به نظر می رسد که اقدامات سرکوب گرایانه رضاشاه از جمله در به حاشیه راندن نوگرایان به طور اساسی متأثر از ابعاد روانشناختی شخصیت رضاشاه و مولفه استبداد بوده است؛ امری که در این پژوهش، قصد تبیین آن را داریم.

## ۱-۲ اهمیت موضوع

پدیده استبداد اگر چه موضوعی کهن و قدیمی به حساب می آید اما فقط مختص به حاکمیت های گذشته و ادوار تاریخی نبوده لذا مسئله روز و حتی در جوامع مدرن و پیشرفته بروز و ظهور این پدیده قابل زایش است بنابراین دولتها و جوامع نباید نسبت به این پدیده غافل و بی اهمیت باشند. از آنجا که رهبران سیاسی نقش تعیین کننده ای در سرنوشت مملکت و جوامع خویش دارند لذا رفتارهای سیاسی آنها و اقداماتشان بر زندگی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی جوامع تاثیر گذار بوده لذا بایستی مردم در انتخاب و استقبال از حاکمان سیاسی و نظارت بر عملکرد آنها از هوش و ذکاوت خاصی برخوردار بوده تا از ظهور شخصیت های دیکتاتور و مستبد جلوگیری به عمل آید. چنانچه مسئولیت آگاهی و بیداری مردم بر عهده روشنفکران و آزاد اندیشان آن جامعه و حکومت بوده که مردم را از گرداب استبداد نجات دهند. در مقاطع تاریخی متعدد ایران زمین، همواره چرخه هرج و مرج- استبداد حکمفرما بوده است که این فرآیند انعکاس و بازتاب تصمیمات ناکارآمد در حوزه مملکت داری توسط سران سیاسی و حتی مردمان زمانه محسوب می شود لذا شناسایی ابعاد و عناصر درونی و روان شناسانه این پدیده که با فراز و نشیب همراه بوده از اهمیت به سزایی برخوردار است.

## ۱-۳ اهداف تحقیق

این پژوهش کاری است در حوزه مطالعات بین رشته ایی که به تحلیل بعد روانشناختی شخصیت رضاشاه در ارتباط با تاسیس سلطنت پهلوی و حاکمیت آن می پردازد بنابراین پژوهش حاضر در پی یک نسبت سنجی میان استبداد و تاثیرات روانشناختی فردی-اجتماعی رضاشاه است که اهداف زیر را تعقیب خواهد نمود.

- ۱- برجسته کردن و تاکید بر زمینه های روانشناختی در رفتار سیاسی افراد مخصوصاً حاکمان سیاسی.
- ۲- تاکید بر ضرورت کنکاش در تاثیرات خانوادگی- محیطی و مراحل رشد فرد از دوران کودکی تا رسیدن به قدرت.
- ۳- برجسته کردن و ضرورت توجه حامیان و طرفداران هر حاکم سیاسی مبنی بر اهمیت ویژه آنان به ابعاد روانشناسی فرد مورد حمایت.
- ۴- اهمیت نگاه جامع الاطراف حامیان به فرد مورد حمایت و پرهیز از اقدامات معطوف به برآورده شدن اهداف کوتاه مدت و مقطعی.
- ۵- تاثیرات منفی روحی- روانی استبداد بر افراد جامعه مخصوصاً در واگرایی، انفعال و به حاشیه راندن آنان که امیدوارانه در جهت خدمت کمر همت بسته اند.
- ۶- برجسته کردن ضرورت مطالعات بین رشته ایی در تبیین تحولات سیاسی- اجتماعی.
- ۷- شناسایی عوامل بنیادین شکل گیری پدیده استبداد در هر جامعه و کشوری از جمله گذشته ایران زمین.

## ۱-۴ پیشینه و ادبیات موضوع

تاکنون تحقیقات و پژوهش های متعددی در زمینه حکومت استبدادی رضاشاه و اقدامات او انجام شده است که هر یک از منظری خاص به تحلیل پرداخته اند ولی تاکنون در حوزه مطالعات بین رشته ای روان شناسی سیاسی پژوهشی به طور خاص به روانشناسی استبداد عصر رضاشاه اختصاص داده نشده است. اما به استناد منابع موجود، تحقیقات و تالیفاتی که ارتباط نزدیکی با موضوع مورد نظر دارند را به اختصار معرفی خواهیم نمود.<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> در بعضی موارد که به بیان ایرادات و کاستی هایی از کتب فوق که بخشی از منابع مورد استفاده در این تحقیق می باشد پرداخته شده، نظر به میزان تطابق کتب مذکور با عنوان تحقیق داشته ایم و تعرض به محتوای علمی کتب مد نظر نبوده است.

### ۱- روانشناسی رضاشاه؛ نوشته مرتضی صادقکار

مؤلف به مطالعه روانشناسی رضاشاه و تاثیر آن بر ساختار های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، در دوران حکمرانی پرداخته است. در این اثر به خوبی ریشه ابعاد روانی شخصیت رضاشاه با توجه به پیشینه زندگی و کمبودهای ناشی از شرایط زیست - محیطی در دوران کودکی و مراحل بعد زندگی بیان شده است. زیرساخت زیستی را اساسی ترین عامل در شکل گیری شخصیت ترسو و مضطرب رضاشاه می داند که در اثر همین ترس و اضطراب درونی با خشونت گرایی در جامعه ظاهر می شود. به نقش انگلستان در روی کارآمدن رضاشاه و کنترل از راه دور در دوران حکمرانی و در نهایت برکناری و تبعید، توجه ویژه شده است. اگرچه مؤلف اثری ارزشمند از خود برجای گذاشته است اما خیلی به جزئیات شخصیت رضاشاه نظیر استبداد و خودکامگی، سوءظن، حرص و تنگ نظری، زمینه روانی اقدامات مدرنیته، بستر و زمینه روانی خودکامگی در جامعه پرداخته است.

### ۲- زندگی پرماجرای رضاشاه؛ نوشته اسکندر دلدلم

مؤلف تلاش کرده است در کنار رویدادهای اصلی، به حوادث ناگفته و حاشیه ای نیز بپردازد. زندگی سایر اعضای خانواده پهلوی، همکاری تیمورتاش با دستگاه جاسوسی اتحاد جماهیر شوروی، ازدواج و طلاق فوزیه، دستگاه اطلاعاتی رضاشاه، صورت دارایی او و آخرین روزهای زندگی و بسیاری مطالب دیگر در کنار حوادثی چون کودتای ۱۲۹۹، عزل احمدشاه، تاجگذاری رضاشاه، مسافرت به ترکیه، اشغال ایران و... مورد بررسی و توجه قرار گرفته اند. (دلدلم، ۱۳۸۹: ۱۳) اگرچه در این کتاب جزئیات زندگی رضاشاه و عاقبت افرادی مانند تیمورتاش، نصرت الدوله فیروز، سرلشکر طهماسبی و اختناق دستگاه شهربانی از منظر تاریخ، تحلیل و وقایع نگاری شده و با بخشی از موضوع ما هم خوانی و دارای ارتباط می باشد. ولی از بعد روانشناسی سیاسی به تحلیل شخصیت رضاشاه و زندگی او پرداخته است که همین وجه افتراق و تفاوت، بحث ما را نمایان می کند.

### ۳- بسترهای تاسیس سلطنت پهلوی (۱۳۰۴ - ۱۲۹۹)؛ نوشته حسین آبادیان

در این کتاب تلاش شده است فراز و نشیب های تحولاتی که از سوم اسفند آغاز و به خلع قاجاریه از سلطنت ختم شد، مورد ارزیابی قرار گرفته و سطوح مختلفی از تحلیل تاریخ معاصر ایران را در برگیرد. از تحلیل رفتارهای فردی بازیگران سیاسی گرفته تا تبیین ساختارهای اقتصادی و اجتماعی؛ و از تاکید بر اهمیت قدرت های بزرگ جهانی در حوادث این دوره گرفته تا بحث از نقش قبایل و عشایر در شکل گیری فضای جدید سیاسی این موارد به نحوی در شکل دادن به فضای ذهنی حاکم برای تاسیس سلطنت پهلوی موثر بوده اند. (آبادیان، ۱۳۸۹: ۱۳)

مؤلف به شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی دوران مشروطه پرداخته و تناقضات این دوره را که منجر به خاستگاه و پیدایش رضاخان و پدیده خودکامگی در جامعه گردیده را تبیین ننموده است. اگرچه مولف در کتب دیگر به موضوع پرداخته ولی به تناسب بحث حداقل نیاز به گزارش مختصری در این خصوص است. دیگر اینکه در این عنوان به نگرش‌ها و بازخوردهای مردم و روحانیت در حمایت از رضاخان برای تغییر سلطنت قاجارها توجه نشده است.

#### ۴- اقتصاد سیاسی ایران؛ نوشته محمد علی همایون کاتوزیان

به بررسی مستند و مستدل و کارشناسانه‌ای از تحولات اقتصاد ایران از اوان مشروطه تا انقلاب اسلامی به موازات گزارشی تاریخی از فراز و نشیب‌های سیاسی و اجتماعی ایران در این دوران پرداخته است. نویسنده این دوران را به چهار مرحله تقسیم می‌کند: نخست دوره مشروطه که تحت عنوان دولت و انقلاب بررسی می‌شود، سپس دوره سلطنت رضاشاه که زیر عنوان دولت و ضد انقلاب بدان بررسی می‌پردازد، پس از آن، بخش فترت، دموکراسی و دیکتاتوری است. آخرین مرحله دوره استبداد نفتی و توسعه اقتصادی است که سالهای ۳۲ تا ۵۷ را دربرمی‌گیرد. بخش دوم این اثر ارزشمند، مولف به عنوان‌هایی؛ از رضاخان تا رضاشاه، حاکمیت شبه مدرنیسم مطلقه ۱۳۱۲ - ۱۳۰۵ ش، ظهور و سقوط استبداد شبه مدرنیست ۱۳۲۰ - ۱۳۱۲ ش پرداخته است که با موضوع ما نزدیکی و ارتباط دارد. به نقش نوگرایان و حامیان مدرنیته که سهم به‌سزایی در روی کارآمدن رضاشاه و اقداماتش داشته‌اند پرداخته است. اگرچه این کتاب در حوزه اقتصاد سیاسی، اقدامات مدرنیته رضاشاه و حامیانش را در زمان حاکمیت استبدادی به زیبایی تبیین نموده است ولی به جنبه‌های روانشناختی استبداد رضاشاهی و زمینه‌های سوءظن نسبت به حامیان و نوگرایان پرداخته است.

#### ۵- خاطرات ملکه پهلوی (تاج الملوک پهلوی همسر رضاشاه)؛ مصاحبه کنندگان ملیحه خسروداد، تورج انصاری، محمود علی باتما نقلیچ

عده‌ای از گویندگان خاطرات نیز به «بنیاد تاریخ شفاهی ایران» وکالت داده‌اند تا خاطرات آنها پس از مرگ‌شان منتشر گردد: در میان این خاطرات که توسط بنیاد ضبط شده است، یک دسته از خاطرات دارای اهمیت بیشتری هستند و آن خاطرات مربوط به اعضای درجه اول فامیل پهلوی است. کتاب خاطرات ملکه تاج الملوک از زمره با ارزش‌ترین منابع تاریخ معاصر ایران می‌باشد. اول اینکه گوینده خاطرات تاج الملوک همسر رضاشاه بوده که از نزدیک در جریان کم و کیف وقایع تاریخی و حاکمیت رضاشاه قرار داشته است. دوم در بیان خاطرات خود ملاحظه هیچکس حتی خودش را هم نکرده است، در برخی وقایع برخلاف مصالح و پرستیژ خودش حرف زده است. در این کتاب آشنایی و ازدواج با رضاشاه، خاطراتی از رضاشاه، مناسک مذهبی در دوران رضاشاه، اشغال ایران و تبعید رضاشاه، واکنش رضاشاه در رویارویی ناگهانی با اسماعیل آقا، ارتباط و اختلاف رضاشاه با مصدق، قوام السلطنه و مدرس و به‌طور کلی بخش

مهمی از خصوصیات رفتاری و زندگی سیاسی - نظامی تبیین شده است. (خاطرات تاج الملوک، ۱۳۹۰: ۱۰-۹) تاج الملوک در این مصاحبه بی پرده طرز تفکر و اقدامات رضاشاه را به وضوح گفته است با این تفاوت که خصلت خشونت گرایی و زورمداری را در او با دلایل سطحی موجه نموده و به گونه ایی که چنین رفتارهایی را متناسب با مقتضیات و شرایط اجتماعی می داند تا اینکه خطاها و اشتباهات را از منظر خودکامگی و خود رأیی قضاوت و تحلیل کرده باشد.

## ۱- ۵ سوال اصلی پژوهش

چه نسبتی میان روانشناسی استبداد و اقدامات رضاشاه در به حاشیه راندن نو گرایان وجود دارد؟

## ۱- ۶ فرضیه اصلی پژوهش

چنین به نظر می رسد که اقدامات سرکوب گرایانه رضاشاه از جمله در به حاشیه راندن نو گرایان به طور اساسی متأثر از ابعاد روانشناختی مولفه استبداد بوده است؟

## ۱- ۷ روش تحقیق ( آزمون فرضیه اصلی )

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی است و برای اثبات و آزمون فرضیه از ابزار کتابخانه ای با استناد به منابع موجود در سه سطح از پژوهش بهره گرفته شده است:

سطح اول: مطالب با استفاده از کتب، مقالات، نشریات، مجلات و منابع اینترنتی گردآوری شده است.

سطح دوم: مطالب گردآوری شده را طبقه بندی نموده و به روش فیش برداری مورد استفاده قرار گرفته است.

سطح سوم: به تحلیل مطالب پرداخته تا به نتایج مورد نظر دست پیدا کنیم.

## ۱ - ۸ تعریف عملیاتی متغیرها

### استبداد و دیکتاتوری

واژه استبداد گاه معادل « اتوریته » به کار می رود. در این کاربرد دو معنای « حکومت بر خود » و « حکومت مطلقه » برای آن ذکر شده است (ر.ک، آقا بخشی، علی، فرهنگ علوم سیاسی، ۲۴). در تعریف « نظام دسپوتیستی و استبدادی » چنین آمده است: نظامی است که در آن قدرت حاکمه و اختیارات نامحدود، به شخصی ظالم و مستبدی مثل سلطان واگذار شده باشد. گاهی نیز استبداد، به معنای دیکتاتوری به کار می رود و در تعریف آن گفته شده است: حکومت مطلقه یک فرد یا گروه و یا طبقه، بدون اینکه ملازم رضایت مردم باشد. بعضی ویژگی های دیکتاتوری عبارت است از:

۱- در کار نبودن هیچ قاعده و قانونی که براساس آن فرمانروا ناگزیر به پاسخگویی در برابر اعمالش باشد.

۲- کسب قدرت از طریق غیر قانون

۳- در کار نبودن حد مشخصی برای اعمال قدرت

۴- نبودن هیچ قانونی برای جانشینی

۵- اعمال قدرت از طریق وحشت و ترور و در جهت منافع یک گروه محدود

۶- فرمانبرداری مردم از آن به علت ترس (ویکی پدیا، دانشنامه آزاد، تمامیت خواهی)

فرد مداری، خودکامگی و اعمال قدرت براساس خواست و اراده شخصی و تابعیت قانون از اراده و تمایلات شخص یا گروه حاکم از ویژگی های بارز « حکومت های استبدادی » است. از نظر عبدالرحمان کواکبی استبداد در لغت و اصطلاح اینچنین تعریف شده است:

استبداد در لغت: آن است که شخص در کاری که شایسته مشورت است بر رأی خویش اکتفاء نماید.

استبداد در اصطلاح: مراد از استبداد، تصرف کردن یک نفر یا جمعی است در حقوق ملتی بدون ترس بازخواست و منشاء استبداد از آن است که حکمران مکلف نیست تا تصرفات خود را با شریعت یا بر قانون یا بر اراده ملت مطابق سازد. (کواکبی، ۱۳۹۰: ۴۶ - ۴۵) در فرهنگ عمید، استبداد از نظر لغت: یکه و تنها و به خودی خود به کاری پرداختن، به میل خود کاری کردن، خود سری و خود کامگی و در ادامه استبداد را آن طرز حکومتی که فرمانروایان مقید به قانون نباشند و به میل و اراده خود عمل می کنند تعریف نموده است.

استبداد، ساخت سیاسی است با این ویژگی ها:

الف) نبودن حدود سنتی یا قانونی برای قدرت حکومت

ب) وسیع بودن دامنه قدرت خودسرانه ای که به کار برده می شود که البته برای تحقق این جنبه معمولاً دستگاه اداری متمرکزی باید وجود داشته باشد (آشوری، ۱۳۸۴: ۲۵). در خلاصه ترین تعریف، حکومت استبدادی عبارت است از حاکمیت بی قانونی که مبتنی است بر رابطه خدایگان - بنده و یا شبان - رمه؛ رابطه ایی که شکل به اصطلاح سیاسی آن می شود رابطه سلطان - رعیت. (قاضی مرادی، ۱۳۹۰: ۲۷) منتسکیو حکومت استبدادی را متکی به ترسی می داند که در اتباعش بر می انگیزد، بالطبع برانگیختن ترس و تداوم آن در دیگران جز به وسیله زور و خشونت ممکن نیست. در حقیقت این نوع از حاکمیت، متکی به قدرت سنتی و قانونی نیست بلکه قدرت استبدادی مبناء و معیار آن زور و خشونت است به همین خاطر است که حاکمان مستبد برای حکمرانی خویش نیازمند ابزارهای سلطه در کلیه سطوح حکومت و جامعه هستند. زور و خشونت به عنوان یکی از ابزارهای سلطه مطرح می شود. در حاکمیت زور، حاکمیت بی قانونی و فرا قانونی بر مردم اعمال می شود لذا زور و خشونت ابزار اصلی سلطه در حکومت استبدادی است که بوسیله نیروهای نظامی و شبه نظامی که از خصلت مزدوری برخوردارند اعمال می شود. نیروهای نظامی و شبه نظامی برای اعمال خشونت از طریق خشونت نظامی یا پلیسی در خدمت نظامی سیاسی حاکم قرار گرفته و کاملاً مطیع و فرمانبر حاکمه خودکامه و مستبد می باشند. از این رو وظیفه اصلی آنها اطاعت بی چون و چرا از فرمان های شاه و حاکم خودکامه می باشد و آنها مصلحت حکومت و یا حاکم مستبد را بر مصالح مردم و عموم ترجیح می دهند که این امر به خودی خود به نیروهای نظامی در کشورهای استبدادی خصلتی مزدورانه می دهد.

مهمترین ابزار سلطه حکومت استبدادی در حوزه سیاسی، توطئه گری است. در تعریف کلی و عمومی توطئه، می توان گفت نقشه و عمل توافق شده پنهانی دو نفر یا بیشتر برای هدف خیانت آمیز، جنایت بار، غیر قانونی، غیر رسمی، غیر عرفی و غیر اخلاقی و یا برای هدفی قانونی و رسمی با استفاده از ابزارهای غیر قانونی و نامشروع و غیر اخلاقی و غیر عرفی است که به منظور تامین منافع حاکم و یا گروه توطئه گران انجام می گیرد (قاضی مرادی، ۱۳۹۰: ۱۹۴). فقدان سیاست و تسلط اراده و نفع شخصی در حکومت استبدادی، توطئه را به عنوان مهمترین ابزار حل تضادها و معضلات سیاسی در حوزه سیاسی حکومت و نیز در ارتباط حکومت با مردم مطرح می کند (همان منبع: ۱۹۷). ترس، اضطراب، تزلزل، شکنندگی، نا امنی از ویژگی های شخص حاکم مستبد است که دائماً دل نگران خطر سقوط از قدرت و مرگ می باشد به همین خاطر او برای حفاظت از خویش به ناچار توطئه را به عنوان دیواری حفاظتی در برابر دیگران به کار می گیرد. حاکم مستبد نه تنها از مخالفان و دشمنان رسمی خود ترسیده بلکه حتی از دوستان و اطرافیان خود در ترس و هراس به سر می برد بنابراین با توطئه و سوءظن آنها را از بین می برد. از آنجا که حکومت های استبدادی بر ترس و ارعاب متکی است ترس و ارعاب خود را در سطح جامعه گسترش داده و فضای تهمت، خیانت و توطئه را

به اجبار در بین مردم ترویج می دهد. افلاطون افترا و تهمت را به عنوان ابزار متداول توطئه گری در استبداد می شناسد. امری که بیشترین امکان و فرصت جاه طلبی را برای توطئه گران فراهم می آورد اخبار و اطلاعاتی کاذب است که از طرف کارگزاران حکومتی به حاکم مستبد گزارش و به دروغ به افراد تهمت مشارکت و شورش علیه حکومت و شخص حاکم را می دهند اینگونه رفتارها نه تنها به ناپایداری روابط انسانی و اجتماعی در جامعه منجر می شوند بلکه ترس و هراس را در شخص حاکم مضاعف می نماید. وجود استبداد و دیکتاتوری در تار و پود اندیشه «توتالیتار» نمایان است و می توان هر نظام توتالیتار را نظامی استبدادی و دیکتاتوری دانست؛ ولی عکس این گزاره همیشه صادق نیست.

## توتالیتاریسم

تمامیت خواهی یا توتالیتاریسم اصطلاحی در علوم سیاسی و توصیف گر نوعی از حکومت است که معمولاً دارای این شش خصوصیت می باشد: یک ایدئولوژی کلی، یک سیستم تک حزبی متعهد که در راستای ایدئولوژی کلی و معمولاً توسط یک نفر رهبری می شود، دارای پلیس مخفی گسترده، انحصار در سلاح های مورد استفاده، انحصار وسایل ارتباط جمعی، انحصار اقتصادی که ممکن است لزوماً و به طور مستقیم توسط حزب صورت نگیرد. (ویکی پدیا، دانشنامه آزاد - تمامیت خواهی)

در حکومت توتالیتار دولت و نظام سیاسی تقریباً بر تمام شئون زندگی عمومی و خصوصی شهروندان نظارت و کنترل دارد و می کوشد تا همه جامعه را برای تحقق اهداف دولتی بسیج و فعالیت های که همسو با این اهداف نباشند را از سر راه بردارد. علائم تشخیص یک حکومت توتالیتار عبارتند از:

- ۱- بسته شدن روزنامه های منتقد حکومت،
- ۲- وجود سانسور شدید در تمام ابعاد، از جمله اطلاعات، رسانه ها، مطبوعات و کتب،
- ۳- زندانی شدن افرادی که از حکومت انتقاد می کنند،
- ۴- پناهندگان سیاسی فراوانی در کشورهای دیگر،
- ۵- اقتصاد دولت مدار،
- ۶- وجود رهبری مقتدر و اغلب کاریزماتیک در رأس حکومت،
- ۷- شخصیت پرستی،
- ۸- وجود ایدئولوژی و فراگیر رسمی و حکومتی که همه چیز با آن سنجیده می شود،
- ۹- سرکوب شدن حقوق اقلیت های سیاسی، مذهبی، قومی،
- ۱۰- مقدس شماری آرمان های رسمی حاکمیت،
- ۱۱- برخورد بی رحمانه با مخالفان حکومت،
- ۱۲- محدود شدن آزادی های فردی به ویژه آزادی بیان، (همان منبع)